

کارگران سخن می گویند

نشریه هسته کارگری مبارز افغانستان

دور دوم ~~~~~ شماره چهارم ~~~~~ میزان ۱۳۹۰



October 2011

مایوس نباشید ، سوگواری نکنید ، پراکنده نشوید

بلکه سازمان دهید!

کارگران و زحمتکشان افغانستانی در شرایط بس حساس و دشوار ، زندگی را سپری میکنند . ناهنجاری های اجتماعی از قبیل : فقر ، بیکاری ، گرسنگی ، محرومیت از تحصیل ، آوارگی ، گدائی ، تحقیر و توهین ، بازماندن از تشکیل خانواده ، نا امنی ، جنگ ، بی حقوقی ، اعتیاد ، بی خانمانی ، تن فروشی و هزاران نمونه دیگر ، همه و همه حکایت از رنج بارز انسانی دارد . رنجی که اگر ما آنرا بدانیم و درک نکنیم از ما موجوداتی بی تفاوت خواهد ساخت که از اصالت انسانی خود خواسته و ناخواسته فاصله میگیریم .

کارگران و زحمتکشان افغانستانی در شرایطی زندگی را سپری میکنند که این ناهنجاری های اجتماعی از طرف نیروهای خارجی بیشتر از پیش دامن زده میشود و آنها را در محراق فقر و بدبختی می چرخاند و شرایط زندگی را برایشان سخت نموده و عرصه را برایشان تنگ و تنگ تر میسازد .

کارگران باید پیرامون مشکلات اجتماعی که دامن گیر شان شده و هر روز آنها را به قهقراء سوق میدهد ، بیشتر از گذشته فکر کنند ، میانشان به بحث پردازند و کوشش نمایند موقعیت اجتماعی خویش را بیابند و بینش طبقاتی شان را بالا ببرند . متأسفانه عده قلیلی از کارگران وقتی به مشکلی مواجه شوند و یا حادثه غم انگیزی برایشان پیش آید ، در خلوت خود فرو رفته ، مایوس میشوند ، سوگواری میکنند ، پراکنده شده و به انزوا کشانیده میشوند .

ایا آنکه مزد کمی میدهد ، آنکه کارگر و زحمتکش این وطن را تحقیر و توهین میکند ، آنکه کارگران را به هر دلیل از کار اخراج مینماید ، طبقه حاکم نیست؟ آیا آنانیکه فقر و بیچارگی را به بار می آورند ، فساد را در جامعه گسترش میدهند ، نا امنی و جنگ را به ما تحمیل میکنند و ذلت و خواری را به ارمغان می آورند ، نیروهای متجاوز اشغالگر و مزدوران میهن فروشان نیستند؟ این بسیار منزجر کننده و تاسف بار است ، به این دلیل است که میگوییم باید سازماندهی کنیم .

مقاومت و مقابله کردن به خاطر اعاده حیثیت و حقوق حقه کارگران و زحمتکشان جامعه باعث تقویت روحیه همبستگی کارگران و زحمتکشان خواهد شد نه باعث تضعیف و سرخوردگی! ما مطمئن هستیم که اگر کارهای سیاسی و تشکیلاتی سازمان یافته خود را با پشتکار و جدیت تمام به پیش ببریم ، مبارزات سیاسی هرگز بی ثمر نخواهد ماند ، بلکه نهایتاً نتیجه بخش نیز میباشد . درین مبارزه بی امان امکان آن هم هست که یکباره به هدفهای والای مان نرسیم ، ولی چون افراد مبارز هستیم و سازماندهی میکنیم و بر حسب مرام والای انسانی با اعتقاد کامل برای به دست آوردن حقوق پایمال شده خویش بپا خاسته ایم و برای بیرون راندن نیروی های متجاوزی که وضعیت فلاکت باری را برای ما کارگران و زحمتکشان بوجود آورده اند ، مبارزه میکنیم و پایه پای آن برای از بین بردن ستم طبقاتی که بر ما تحمیل گردیده می رزمیم ، نباید از دشواری ها بترسیم و هراس داشته باشیم و از شکست ها مایوس گردیم ، بلکه بیش از پیش کار خود را باید با جدیت تمام و با پشتکاری بی امان و سعی خستگی ناپذیر ، حتی در مشکل ترین و سختترین شرایط تا پیروزی نهائی ادامه دهیم .

زیرا معتقدیم که " مبارزه شکست ، بازهم مبارزه بازهم شکست ، بازهم مبارزه و سرانجام پیروزی! "

به امید چنین روزی

" هسته کارگری مبارز افغانستان "

۲۸ میزان ۱۳۹۰

وضعیت نابسمان کارگران سرگذر - شهر هرات

عتیق: ۱۱ سنبله ۱۳۹۰



وضعیت ناخوشایند کارگران و شرایط سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی تحمیل شده بر وضعیت کنونی جامعه، عده ای را وادار نمود تا بخاطر اعاده حقوق حقه کارگران و زحمتکشان بپاخاسته و "هسته کارگری مبارز افغانستان" را تشکیل دهند، برای متشکل ساختن هم قطاران خود شب و روز تلاش نمایند و به بسیج فشرده کارگران و زحمتکشان بپردازند، تا بتوانند ازین طریق توده های رنج کشیده و مستضعف را بینش طبقاتی دهند، خواسته های برحق کارگران و زحمتکشان جامعه را انعکاس داده و صدای اعتراض کارگران رنج دیده جامعه را به گوش جهانیان برسانند.

به این خاطر برای متحقق شدن این وظیفه خطیر است که کارگران و زحمتکشان باید به دور هم جمع شده و بیشتر از پیش منسجم گردند تا حقوق از دست رفته شان را بازیابند و زندگی آرام و خوشی را برای خود و همقطاران خود و نسل آینده، طوری به وجود آورند که سالها ماندگار گردد.

به امید چنین روزی!

زنده باد آزادی!

زنده باد برابری!

هر روز صبح، عده کثیری از کارگران شهر هرات که از راه های دور و نزدیک پیاده یا سواره بر بایسکل های شکسته و کهنه خویش، به مناطق مختلفی چون، پای حصار، بادمروان، غوردرواز و جاهای دیگری از شهر، برای بدست آوردن لقمه نانی از درک فروش نیروی کار خویش جمع میشوند و از ساعت ۵ صبح تا ظهر در این محلات در گرما و سرما می ایستند تا بتوانند نیروی کار خود را در بدل قیمت ناچیزی بفروش برسانند؛ هر گاه اگر کسی درین محلات بدنبال کارگر بیاید بیش از ده نفر از روی مجبوریت گرداگرد او جمع شده و با خواهش و تمنا می خواهند تا آنها را به خدمت بگیرد، اما این نیرویی که آنان دارند یا خریدار ندارد و یا هم زمینه کار آنقدر مهیا نیست تا کلیه کارگران به خدمت گرفته شود!

این وضعیت فلاکت بار کارگران افغانستانی، روز بروز بدتر شده و بر تعداد کارگران بیکار هر روز افزوده میگردد که قابل نگرانی است.

از طرف دیگر، هر روز بر قیمت اجناس و مواد اولیه افزوده میشود و در مقابل آن، مزد کارگران رنج کشیده در جای خود باقی است، حتی همان هم بطور متدوام و دوامدار وجود ندارد. نه زمینه کار و اشتغال برایشان بطور مستمر و پیگیر مساعد است و نه هم بیمه اجتماعی و تضمین کار!

کارگرانی که برای تصاحب لقمه نانی به این محلات رجوع می کنند، همه شان بیسواد نبوده بلکه در میان شان نیز میتوان افراد تحصیل کرده با درجات تحصیلی متفاوت یافت؛ همانند: معلمان رنج دیده و ماموران اسبق دولتی که در رژیم های قبلی وظیفه ای داشته اند، نظر به شرایط زندگی شان به کار مزدی روی آورده اند. کارگرانی که بیسواد باقیمانده اند شرایط زندگی آنها را در خود پیچانده و در طول دوران زندگی شان زمینه درس خواندن برایشان وجود نداشته است.

تا حال هیچگاهی رژیم های گذشته و رژیم دست نشانده کنونی در فکر راه چاره برای اشتغال این قشر زحمتکش و توده های ستم کشیده نبوده اند و این کتله عظیم پیکر جامعه افغانستانی هر زمان آواره و سرگردان و بی سرپناه گاهی در ایران و گاهی در پاکستان مهاجر شده و برای بدست آوردن لقمه نانی به هر ذلت و خواری تن داده اند و بیش از حد بهره داده اند.

بی پروایی منسوبین نظام یا بی کفایتی رژیم

(نوشته: "روئین")

شامل و دلال بازار بین المللی دست تباری به هم داده و حلقوم این ملت بیچاره را بیرحمانه می فشارند و از هیچ مرجعی نیز بررسی ندارند. زیرا پایه و اساس این نوع حاکمیت ها بر مکیدن و ریختاندن خون مردم استوار است. درینجا خطاب من به مردم شریف هرات این است که: دیگر به هیچ صورت فریب سخنان چرب و نرم سرد مداران رژیم مزدور را نخورند، بخود آیند و بیدار شوند و سرمایه های ملی خود را بساختن بلند منزل ها و دفن کردن مواد تعمیراتی وارداتی هدر ندهند، زیرا بدون تامین منابع انرژی داخلی هر نوع انکشاف شهری و خصوصا اعمار بلند منزلها بار مصیبتی خواهد بود بردوش مالکان آنها که بطور مضاعف جامعه و سرمایه آنها وابسته تر به کشورهای امپریالیستی و خصوصا دلالان منطقه ئی می گرداند.

بیائید برای ایجاد یک حاکمیت واقعا مردمی که منافع تمامی اقشار پائینی و متوسط جامعه را در برداشته باشد گردهم آئیم و از اختلاف و تفرقه که وسیله سیادت دشمن برماست جدا خود داری نمائیم.

زنده باد اتحاد مردمی، ستم کشان شهر هرات
مرگ بر اشغالگران و نوکران حلقه بگوش آنها



بیشتر از یکماه می شود که شهر هرات و حومه آن از ابتدائی ترین و حیاتی ترین وسیله زندگی یعنی آب آشامیدنی محروم مانده و یا با سکتگی مواجه است.

شهر هرات که بعد از غلبه نظام سرمایه داری غرب در سال ۱۳۷۱ تا اکنون در چوکات مناسبات بازار و دموکراسی غربی رشد و توسعه یافته است، با اتکا به برق وارداتی ایران و ترکمنستان، مسئولین نظام وابسته حتی به فکر تامین منابع انرژی دایمی و سرد و گرم کردن شهر در زمستان و تابستان چه که حتی به فکر تامین نیازمندی های ابتدائی مردم آن نیفتاده اند و ریاست های خیانت پیشه شهرسازی و شاروالی با گرفتن رشوه های کلان نقشه های بنای بلند منازل را درین سرزمین هموار که دشت اندر دشت اطراف آنها اراضی تعمیراتی احتوا کرده است. صادر و امضا کرده است، در حالیکه سیستم کانالیزاسیون و فاضلاب شهر هرات همچنان نا مشخص و نامعلوم در بستر آب شرب و زراعتی قرا انجیل از مجرای کاربار (کارآباد) جریان دارد و سالانه به هزارها تن مواد زهری، کیمیاوی، صابونی و میکروبی از مجرای این رود خانه کوچک که زمانی آب آن برای قریه جاتی مانند دست گرد، کیزان بادق، رباط قلق، ملدان، صوفیان، تلاب، ده میدی، رز شک و غیره قابل شرب بود. حاصلات و مواشی این ناحیه را مریض و نابود گردانیده اشجار و حیات ده ها هزار خانواده زحمتکش و زراعت پیشه را با خطر مرگ رو برو ساخته است.

اما آنچه از همه مهمتر است بی کفایتی و بی مسئولیتی منسوبین آب و برق در تامین نیازمندی های اولیه شهر هرات مانند آب شرب و تامین روشنایی است، که نبود آن را ریاست بی ابروی آب رسانی به علت نبود و کمبود برق بدوش ریاست چپاولگر برق رسانی و ریاست برق رسانی مسئولیت آن را بدوش آب رسانی میندازد. اما در حقیقت هر دو ریاست خائین بر پایه اقتصاد بازار و تحت حاکمیت رژیم درمانده،

بیکاری

معضلی بر سر راه کارگران افغانستان

وفا

سطح درآمد کارگران کما فی السابق سر جای خود است. در کشوری که نرخ ها روز به روز به اوج خود میرسد نه کنترل نرخ و قیمت و نه کنترل بازار و فروشات وجود دارد! درین میان کارگر، بازیچه دست دیگران شده، مانند عروسک کوچکی بی سرنوشت و در به در به دنبال کار و اشتغال است و عده ای از کارگران آنقدر مجبوریت های زندگی آنها را وادار ساخته که اگر به ایران و پاکستان مهاجر نشدند حاضرند به کمترین مزد کاری نیز تن به کار دهند.

توقع کارگران در شرایطی که نرخ ها به اوج خود رسیده و روز به روز بالا میرود، در شرایطی که توجه جدی نسبت به زندگی و شرایط کارگری در افغانستان نمیشود، در شرایطی که تفرقه افگنی میان کارگران به شکلی از اشکال دامن زده میشود، فقر و فلاکت از سر و روی کارگران میریزد، اولاً زمینه اشتغال برای کارگران و ثانیاً مزد کار برای آنها باید به اندازه ای باشد که معیشت خانواده کارگران را تامین کند.

کارگران برجسته ترین و نقش پذیرترین قشر در عرصه اقتصادی جامعه هستند، کارگران همیشه به عنوان ابزار سیاسی مطرح شده و در پشت نام کارگر به اهداف سیاسی پرداخته میشود. آنچه را که ما بر آن اصرار داریم حمایت از حقوق کارگران است و کارگران باید جهت دست یابی به خواسته های برحق شان بیدار شده و متشکل شوند.

" هسته کارگری مبارز افغانستان " یگانه نهاد مستقل کارگری میباشد که بخاطر حصول حقوق برحق کارگران پا خاسته و مبارزه مینماید.

به امید روزی که بتوانیم دست در دست یکدیگر، برای جامعه ای فارغ از هرگونه ستم، غارت، چپاول و در به دری در کنار یکدیگر زندگی نماییم.

زنده و جاویدان باد، مبارزه در راه حصول حقه کارگران و زحمتکشان

در مدت ده سالی که از عمر رژیم جمهوری اسلامی افغانستان میگذرد، هیچگونه بهبودی در وضعیت زندگی کارگران و زحمتکشانشان این سرزمین به عمل نیامده است. هر روز کارگران، به علت فقر و بیچارگی به کشورهای همسایه مهاجر شده و عده ای به نام های متفاوت توسط باند ضد مردمی ایران به قتل رسیده و یا به دار آویخته شده اند.

این وضعیت در حالی اتفاق می افتد که رژیم جمهوری اسلامی افغانستان با بوق و کرنا از سرمایه های باد آورده نیروهای متجاوز خارجی بحث میکند و عده زمینه اشتغال را بارها در حرف داده است اما نه اشتغالی به آن صورت مهیا شده و نه هم مزدی که بتواند زمینه ساز زندگی آرام برای خانواده های کارگران شود.

اولاً که زمینه های کاری برای اکثریت کارگران و زحمتکشانشان جامعه فروکش نموده است. دهقانان متوسط الحال به دهقانان فقیر و دهقانان فقیر به دهقانان بی زمین بدل گشته اند. میزان آب و میزان کشت و کار برای اکثریت قریه جات کاهش یافته و عده زیادی از دهقانان را به کارگران مزد بگیر بدل ساخته است. عده ای ازین دهقانان به سمت ایران و پاکستان مهاجر شده اند و آن عده از مهاجرین، اگر سلامت به آن سوی مرز برسند باز هم در آنجا برای مدت مدیدی بیکار میمانند. علت این مهاجرت ها دو دلیل متبازل ذیل را به همراه دارد:

- دلیل اول اینکه زمینه اشتغال برای اکثریت کارگران و دهقانان بی زمین فراوان است

- دلیل دوم پایین بودن مزد کار برای کارگرانی که تا حدودی توانسته اند کاری برای خود دست و پا کنند

همه میدانیم که کارگران شریف ترین و زحمتکش ترین قشر جامعه هستند. با وجود تمام زحماتی که کارگران میکشند بازهم در سخت ترین شرایط به سر می برند.

کارگران قشری هستند که بیشترین و بهترین نقش را در سازندگی کشور ایفاء کرده و میکنند. کارگران بعنوان بازوی اجرائی کشور، برنامه های کاری کارفرمایان این مملکت را اجراء کرده و میکنند، اما در قبال مصرف توان کار جسمانی شان، چه نصیب شان میگردد؟ نه آسایشی به همراه دارند و نه رفاه و آرامش خانوادگی! این است نتیجه بی سرنوشتی کامل کارگران!

کرایه سه چرخ فقط برای یک مسیر کوتاه پنج افغانی بود در حالیکه همین مسیر کوتاه فعلاً ۱۰ افغانی کرایه میخورد، یک تیم روغن ۷۵۰ افغانی بوده که فعلاً ۱۰۰۰ افغانی شده است، برنج، آرد، غله جات و... تمامی امکانات زندگی به همین منوال روز به روز بالا میرود اما



به کسانی که بدی ها را دوست ندارند!

حتی به شما انسانی که دوست دارید تا انسانها، مرز جغرافیائی نداشته باشند و بتوانند آزادانه در تمام جهان رفت و آمد کنند.

یا به شما انسانی که قلب تان برای توده های ستمدیده می تپد.

یا به شما انسانی که زندگی بدون ستم و استثمار را تقاضا مندید.

یا به کسانی که میخواهند فرزندان این مرز و بوم بدون تبعیض زندگی کنند.

یا به آن کسانی که وطن خود را دوست دارند.

یا به کسانی که میخواهند آبرومندان زندگی کنند.

و به تو انسانی که زنده ای و به طریقی معتاد گشته ای و در کوچه و بازار و منزل تلو تلو میزنی!

"هسته کارگری مبارز افغانستان" که آینده سازان این مرز و بوم است، از همه شما میخواهد که برای افشاء نمودن چهره خائنانه رژیم دست نشانده که بخاطر منافع اشغالگران شب و روز مردم زحمتکش این مرز و بوم را به گلوله می بندد به مبارزه برخیزید؛ زیرا بدون مبارزه خستگی ناپذیر، بیرون راندن نیروهای اشغالگر و ایجاد یک جامعه بدون ستم و استثمار غیر ممکن است.

"هسته کارگری مبارز افغانستان" که مدت ها میشود درین راستا به مبارزه برخاسته، از شما نیز میخواهد که همونوا با ما حرکت نموده و در برابر این مسائل بی تفاوت نباشید، زیرا بی تفاوتی شما عمر اشغالگران و رژیم مزدور را درازتر می سازد. فقط و فقط از طریق مبارزه است که میتوانید بساط ظلم و ستم را بر چینید و رژیم دلخواه تانرا که در آن اثری از ظلم و ستم نباشد برپا نمایید.

زنده باد آزادی و برابری

مرگ بر اشغالگران و ستمگران

"هسته کارگری مبارز افغانستان"

۱۲ سرطان ۱۳۹۰

مزد کنونی کارگران در شان کارگران نیست!

شان هیچ کار دیگری در حق کارگران فلاکت زده این دیار نکرده اند و از چنین حکومتی نیز توقع فداکاری در حق کارگران و زحمتکشان جامعه را نباید داشت.

با در نظر داشت همچون وضعیت فلاکت باری که بر کارگران و زحمتکشان این سرزمین تحمیل شده و روز به روز زندگی شان را به قهقراء سوق میدهد و زمینه اشتغال و آسایش خاطر را از کارگران و زحمتکشان میگیرد؛ آیا از کدام گوشه این سرزمین صدا و قامتی بلند خواهد شد که بتواند خیل عظیم زحمتکشان و رنج دیدگانی که با داستان آبله دیده ای که به جزء از فقر و بدبختی چیز دیگری ندیده اند، را برای اعاده حقوق انسانی شان متشکل نماید؟ برای آنان حرف و کلام ارزشمندی داشته باشد؟ حرف و کلامی که ارزش رهایی شان را به همراه دارد؟

بله، " هسته کارگری مبارز افغانستان " یگانه نهاد مستقل کارگری است که از میان خیل گرسنگان، مستمندان، پا ترک خوردگان و زحمتکشان این جامعه سر بلند نموده تا صدای برحق این خیل عظیم را به گوش جهانیان برساند و بخاطر اعاده حیثیت و حقوق کارگران و زحمتکشان جامعه مبارزه نماید. بیایید تا دست در دست یکدیگر داده، صفوف خویش را فشرده کنیم و اعتراض خویش را مبنی بر عدم سطح اشتغال و پائین بودن مزد کار اعلام بداریم.

به امید متشکل شدن هر چه بیشتر

کارگران و زحمتکشان!

زنده باد مبارزات

حق طلبانه کارگران و زحمتکشان!

در افغانستان کنونی، زحمتکشان جامعه اعم از کارگر و دهقان و سایر زحمتکشان، در وضعیت فلاکت باری به سر میبرند. با گذشت هر روز، دامنه فقر و بیکاری وسعت بیشتری بخود گرفته و حاکمان مستبد نظام فعلی با دار و دسته های شیاد و سودجوی شان این سرزمین را به بازار کسب درآمد سرشار خویش بدل ساخته اند. با چنین وضعیتی از یک سوی بر تعداد گرسنگان و پابرهنگان ستمدیده این دیار افزوده میگردد و در طرفی دیگر اقلیتی بهره کش، غارتگر، سودجو و چپاولگر با تحمیل اعمال غیر اخلاقی ضد انسانی خویش این کشور را به محل دهشت افزای اضطراب و پریشانی، یاس و ناامیدی و نهایتاً بی سرنوشتی کارگران بدل ساخته اند.

اکنون در افغانستان، حد اوسط معاش یک کارگر بطور ماهانه مبلغ ۴۵۰۰ افغانی میباشد و حد اوسط یک فامیل کارگر نیز به ۵ الی ۶ نفر میرسد که معاش وی تکاپوی حداقل پانزده روزه مخارج زندگی اش را نیز نمیکند. حال، این کارگر فقیر، کرایه خانه، دوا و داکتر، پول برق و آب و مدت پانزده روز متباقی ماه همراه با ده ها مصرف دیگر که برگرفته از عنعنات اجتماعی به او تحمیل گردیده، از کجا بدست آورد؟ چگونه پردازد؟ با این وجود زندگی برای کارگر فقیری که در چنین وضعیتی به سر میبرد چه معنی ومفهومی میتواند داشته باشد؟ و آینده اش به کجا منتهی خواهد شد؟

رسانه ها، مطبوعات و عده ای از نویسندگان و روشنفکران، با به راه انداختن انواع و اقسام برنامه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تفریحی و اعلانات تجارتي مبتذل ومضحک، به غیر از خدمت به اربابان اشغالگر این رژیم و نوکران دست نشانده-

مصاحبه با یک تن از کارگران ماین پاکی

در شهر هرات

آمد، اما از آن روز به بعد فقط سر و کار ما فقط با انجینیر مربوط ساحه یا تیم لیدر ماست.

سوال: تیم لیدر شما خارجی است یا داخلی؟

جواب: از جمله انجینیران افغانی است

سوال: میتوانید بگویید که پیمان کار شما چقدر معاش از دولت میگیرد؟

جواب: معاش که نمیگیرد، بلکه قرارداد دارد، او متر ۷ دالر (هفت دالر) اجاره کرده است.

سوال: آیا از مزدی که میگیرد، راضی هستید یا خیر؟

جواب: بستگی به خطرات جانی دارد که ما همه روزه با آن درگیر هستیم. بر علاوه همه روزه از خانه و کاشانه خود دور هستیم، به زن و فرزند خود به غیر از اینکه فقط معاش خود را روان کنیم دیگر رسیدگی کرده نمیتوانیم، به غم و شادی قوم و اقارب نمیرسیم، به مریضی و خستگی خانواده خود رسیده نمیتوانیم، و خلاصه هزاران مصیبت دیگری که با آن روبرو هستیم فکر نکنم کسی پیدا شود که از گذر زندگی اش راضی باشد خودم که حقیقتاً راضی نیستم اما چه کنم، مجبورت است. مجبوریم که کار کنیم تا ازین طریق خرچ زن و بچه خود را بدست بیاوریم. فقط میتوانم بگویم که ما کارگران فقط زنده ایم، زندگی نمیکنیم. ما فقط زنده هستیم که کار کنیم اما هیچوقت نشده که کار کنیم بخاطری که بتوانیم زندگی داشته باشیم.

سوال: ببخشید، شما کارگران، اتحادیه ندارید؟

جواب: خیر، اصلاً!

سوال: خوب اگر خطری به شما اتفاق افتد، و بطور مثال حادثه ای رخ دهد، شما بیمه شده هستید؟

جواب: بله، در شرکت های ماین پاکی بیمه میشویم.

سوال: مقدار تعیین شده بیمه چند است؟

جواب: برای کسی که جانش را از دست میدهد ۲۰ هزار

سلام، روز شما بخیر. در ابتدا خودتان را برای مجله هسته کارگری معرفی نمایید.

سلام، تشکر از هسته کارگری که زمینه این مصاحبه را فراهم کرده است، اسم من عبدالواحد باشنده شهر هرات هستم.

سوال: محل کار شما کجاست و چه مدت است که در شرکت ماین پاکی کار می کنید؟

جواب: محل کار ما شیندند و مدت یک و نیم سال است که کار میکنم.

سوال: چه تعداد کارگر به این شرکت کار میکند؟

جواب: از تعداد کلی کارگران که درین شرکت کار میکند چندان خبری ندارم زیرا اینها تنها در شیندند کار نمیکنند بلکه جاهای دیگری از شهر هرات نیز فعالیت میکنند، فقط تعداد کارگری که درینجا با ما کار میکند ۱۸۰ نفر است.

سوال: آیا شما کار مزدی میکنید یا روزمزد هستید؟

جواب: روزمزد هستم

سوال: روزمزد تان چند است؟

جواب: به یک حساب اگر جمع کنیم ماهانه، ۶۰۰ دالر میشود که معادل است به ۲۷۰۰۰ - افغانی

سوال: صاحب کارتان از شما چه انتظاری دارد؟

جواب: صاحب کارمان انتظار دارد که روزانه ۲۰۰ هزار متر مربع زمین را باید ما از ماین پاک کنیم.

سوال: آیا صاحب کار شما خارجی است یا داخلی؟

جواب: خارجی

سوال: صاحب کار شما روزمزد است یا پیمان کار؟

جواب: پیمان کار

سوال: آیا شما او را درین منطقه می بینید یا برنامه مشخصی برای آمدنش وجود ندارد؟

جواب: ما فقط روز اول که کار را شروع کردیم یک مرتبه



قلمداد کرده به نشر نمیرسانند. امیدوارم که گپ مرا به گوش تمام کارگران برسانید تا از وضعیت ما با خبر شوند. شاید بتوانیم روزی دست به دست هم دهیم و برای تغییر وضعیتی که بر سر ما آورده اند کاری بکنیم.

ممنون

دالر بیمه تعیین شده است.

سوال: مزد شما در برابر کاری که انجام میدهید ناچیز نیست؟

جواب: خودتان محاسبه کنید ۲۰۰ هزار متر مربع به سر ۱۸۰ کارگر! یعنی هر کارگر باید روزانه ۱۱۱۱ متر مربع پاکاری نماید. خودش متر ۷ دالر میگیرد یعنی روزانه ۷۷۷۷ دالر که معادل است با ۳۵۰۰۰۰ افغانی. اما برای ما روزانه تقریباً یکهزار افغانی معاش میدهد. یعنی در برابر معاش یکهزار افغانی در روز ۳۵۰ برابر کار را از ما میکشد. ولی پیشتر هم خلاصه کردم که چاره نداریم، زمینه اشتغال آنقدر به افغانستان کم شده که کارگران به قیمت فوق العاده پایین حاضر به کار کردن هستند.

سوال: خوب با این وجود، اگر پیمان کار نباشد، خودتان نمیتوانید این کار را انجام دهید؟

جواب: چرا، میتوانیم! ولی متأسفانه که صلاحیت این کار را نداریم.

سوال: چرا صلاحیت نداری؟

جواب: بخاطری که صلاحیت کار در دست خارجی هاست

سوال: یعنی با این وضعیت، چه پیشنهادی برای ما دارید؟

جواب: کدام پیشنهادی که به ذهن من نمیرسد ولی همینقدر می فهمم که این وضعیت فقط بخاطر موجودیت خارجی ها در افغانستان بوجود آمده، ما فقیر، بیچاره، مستمند زاده نشدیم، بلکه این وضعیت فقط ناشی از دست بیگانگان است که دایما ما را به عقب میرانند.

سوال: خوب تشکر عبدالواحد جان، جهانی سپاس ازینکه به ما فرصتی دادید که با شما مصاحبه ای انجام دهیم.

جواب: تشکر از شما، فقط امیدوارم که این گپ های مرا انعکاس دهید، مثل دیگر رسانه ها نکنید که اولاً هیچوقت حاضر به مصاحبه همراه کارگران نیستند و هنگامی هم که مصاحبه کنند، گپ کارگران را بی ارزش

پیروز باد مبارزات برحق مردم لیبی

موشک به قتل می رسانند، تا مبادا طی روند رشد و تحول این اعتراضات، منطقه به صورت کل، به سوی تحولات عظیم تر ضد سرمایه داری حرکت کند.

" هسته کارگری مبارز افغانستان " ضمن تقبیح عمل جنایتکارانه و غارتگرانه قدرت های امپریالیستی، حمله به لیبی را یک تجاوز نظامی عریان دانسته و از مبارزات برحق مردمان لیبی حمایت خویش را اعلام میدارد.

سرمایه داری، تحت فشارهای روز افزون بحران گسترده در اقصاء نقاط جهان دست و پا میزند و برای رهائی ازین فشار و همچنان رهائی از انقلابات کارگری به هر جنایتی که خود بخواهد متوسل میگردد. اگر امروز خود را آماده این نبرد نکنیم، جهان را به آتش خواهند کشید. اگر امروز برای تعیین سرنوشت خود و ابتکار عمل خود را سازماندهی نکنیم، نه تنها نمیتوانیم در آینده انقلاب کارگری را به ثمر رسانیم بلکه به شدت و حدت سرکوب و قتل عام خواهیم شد.

" هسته کارگری مبارز افغانستان " در کنار اینکه خود را غم شریک مردم لیبی میداند، در داخل افغانستان کوشش به عمل می آورد تا با تشکیل هسته ها در داخل کارخانجات، ادارات، دانشگاه ها و مدارس و محلات کار طبقه کارگر، قدم های بلندی را برای متشکل کردن و سازماندهی توده های کارگری بردارد. هر کدام ما وظیفه داریم تا با کارگر کنار دستی خود هسته ای تشکیل دهیم و از طریق آن ضمن آموزش و تبلیغات سیاسی، توده های کارگری اطراف خود را برای اعتراضات و عمل مبارزاتی آینده آماده کنیم.

" هسته کارگری مبارز افغانستان " وظیفه و رسالت خود میداند که در اعتراضات علیه هرگونه تجاوز شرکت کرده و در گسترش هرچه بیشتر این اعتراضات فعالیت نماید.

جنگ و تجاوز علیه کشور لیبی هرچه زودتر باید متوقف گردد از انقلابات مردم کشورهای جهان حمایت میکنیم.

مرگ بر متجاوزین و اشغالگران

" هسته کارگری مبارز افغانستان "

جوزای ۱۳۹۰

پنجشنبه ۱۷ مارچ ۲۰۱۱ روزی است که نظامیان متجاوز امپریالیستی، باردیگر قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد را لیبیک گفته و با حمله به مناطقی از خاک لیبی دست به تجاوز نظامی گسترده زدند و ادعا کرده اند که بخاطر برقراری دموکراسی و حقوق بشر به آن کشور حمله نموده اند.

اما همه بخوبی میدانیم که اینها همه در ذات خود ترفندی برای فریب و نیرنگ توده های زحمتکش مردمی است. کاری که سالهاست بر سر خلق ستمدیده افغانستان و عراق کرده اند.

همه به خوبی آگاهیم که وقتی پای حفظ و افزایش سود سرمایه های مالی در میان است، نقاب بشردوستی و دموکراسی خواهی روکشی برای غارت و چپاول روی کار می آید.

غارتگران متجاوز برای حفظ نظام غارتگرانه و چپاولگرانه جهانی شان و بخاطر بحران مالی که اکنون دامن گیر کشوری بنام امریکا شده است به کشتن جوانان لیبی در جاده ها و سرک های آن کشور پرداخته، دستور سرکوب مستقیم و غیرمستقیم هرگونه مخالفت با سرمایه داری را به بهانه تامین دموکراسی و حقوق بشر با باران راکت و موشک صادر میکنند.

کارگران و زحمتکشان!

نیروهای غارتگر متجاوز به لیبی با روش های متفاوت میخواهند ضمن حفظ کلیت نظام سرمایه داری، سود سرمایه را هرچه بیشتر افزایش دهند. فراموش نکنیم که سود سرمایه همان ثروت و نانی است که از سفره کارگران به بهانه ها و روش های متفاوت دزدیده شده و به کیسه سرمایه داران سرازیر میگردد.

فراموش نکنیم که غارتگران اشغالگر که از یک سوی افغانستان و عراق و از سوی دیگر پلان حمله به ملل تحت ستم را روی دست دارند همه و همه کمر به غارت و چپاول طبقه کارگر بسته اند.

امروز جنایتکاران به بهانه دفاع از مردم و برقراری دموکراسی و حقوق بشر، مردم بپا خاسته و آزادیخواه لیبی را با راکت و

کارگران متحد شوید

عتیق (۵ جوزای ۱۳۹۰)

بدوزیم؟ چرا یکجا و یک پارچه در مقابل این همه بی عدالتی قد علم نکنیم؟ موضوع مهم اینجاست که مردم ما که بیش از سه چهارم یعنی ۷۵ درصد جامعه زحمتکش اند، چرا هیچگونه تعادل و برابری در تقسیم منابع و سرمایه ها در کشور نداریم؟

همین توده بزرگ جمعیت، مقدار منابع کمتری را در دست دارند یعنی ۷۵ درصد از جمعیت، کمتر از ۱۵ درصد منابع کشور را استفاده میکنند. فلهذا بخاطر اعاده حیثیت و وقار و تحصیل حقوق حقه خودبیاید تا همه باهم یکی شویم!

به امید روزیکه تمامی کارگران افغانستان یکی شوند تا حق پایمال شده خود را از کام اژدهای سرمایه داری بیرون بکشیم.

در حالیکه چند روز قبل، اول ماه می، سالروز جهانی کارگر بود، اما متأسفانه در کشور فلاکت زده ما افغانستان یا این روز را کسی نمی شناسد و یا هم اگر کدام شخصی از آن معلومات اندکی را داشته باشد صرف نامی است و دیگر تمام!

در حالیکه در جوامع پیشرفته که روزگاری آنها نیز در قطار ممالک رو به انکشاف بودند بخاطر تثبیت و به کرسی نشاندن این موضوع که روز اول ماه می روز جهانی کارگر است، چقدر زحمات کشیده شده و چه قدر قربانی ها داده شده است اما در کشور ما هیچگاه کسی ازین روز نه یادی میکند و نه تجلیل به عمل می آید و اگر کدام مراسم نمایشی هم در جایی برگزار شود، صرف سلسله تمثیل می باشد.

اما تا چه وقت بنشینیم و به مصائب و مشکلات چشم

" کارگران سراسر جهان متحد شوید "

روز اول می روز جهانی کارگر را گرامی میداریم

میتواند داشته باشد؟ در حالیکه با بوق و کرنا مدعی اند که سالانه صد میلیارد دالر مصارف جنگ تجاوز گرانه به دولت آقای کرزی میپردازند. این مصارف مالی و نظامی، بخاطر تحکیم هرچه بیشتر پایگاه هایشان در افغانستان است. از چند ماه بدین سو، بحث روی ایجاد پایگاه های دائمی اشغالگران در افغانستان زبان زد رسانه ها و دولت آقای کرزی گردیده است، دولتی که از خود قدرت و صلاحیت ندارد، با آنهم تصویب رسمی این مطلب را به پارلمان و لویه جرگه های بعدی گذاشته است تا به اصطلاح خودشان، خانه ملت درین زمینه تصمیم بگیرد. شایعاتی در پایتخت مطرح است که بر اساس آن اگر کمیسیون های مختلف پارلمان به این پیمان استراتژیک افغانستان و امریکا رای مثبت دهند، به هر وکیل یک

کارگران سراسر جهان، اول می امسال را در حالی جشن میگیرند که کارگران و دهقانان افغانستان اشغال شده در زیر خط فقر زندگی را سپری مینمایند. بخاطر این فقر و بیکاری جنازه ده ها کارگر افغانستانی، ماهانه از مرزهای ایران بخاک افغانستان برگردانده میشود.

کارگرانی که برای پیدا کردن کار و لقمه نانی بخاک ایران میروند یا توسط مرزبانان ایران و یا ذریعه قاچاقبران به قتل می رسند و یا هم در شرایط بسیار بد کاری در کوره ها و کانالها و عمق چاه ها جان می سپارند که جنازه های شان به خانواده های داغدیده شان برگردانده میشود.

آیا فکر کرده اید که حضور بیش از ۴۹ کشور خارجی در افغانستان که نتوانسته اند امنیت و شرایط کار را برای این ملت زجر کشیده مهیاء نمایند چه معنی و مفهومی

وضعیت زندگی ما بدتر خواهد شد و این درد خانمان سوز زندگی همه ما را تباه خواهد ساخت. بیائید قبل از آنکه طوفان سرمایه داری خانه همه ما را بیشتر ازین خراب کند، فکری برای نجات خود و اولاد این خاک نموده و با فرهنگ و عمال استعمار و استثمار مجدانه مقابله و مبارزه نماییم. تا باشد که طلوع آفتاب فردا را از پس این شام سیاه ظلمانی در افق های کشور خود نظاره گر و شاهد گردیم.

زنده باد اتحاد

کارگران و دهقانان

مرگ بر اشغالگران و وطن فروشان

" هسته کارگری مبارز افغانستان "

اول می ۲۰۱۱ (۱۱ ثور ۱۳۹۰)

میلیون دالر هدیه پرداخت خواهد شد. این جمله چه معنی خواهد داشت به غیر از لیلام کردن افغانستان! متن پیش نویس توافق نامه استراتژیک افغانستان و امریکا مدعی چنین مطلبی میباشد. محصول این حضور نظامی و اقتصادی بی حاصل برای زحمتکشان، تا کنون فقط وقفه از دیاد بیکاری، کشیده شدن اکثریت مردم متوسط الحال به زیر خط فقر، نابودی کامل تولیدات و محصولات زراعتی داخلی و صنایع دستی و از همه بدتر وابسته کردن اقتصاد ضعیف این کشور به اقتصاد مصرف گرای سرمایه داری، انقیاد و بردگی، زیرپا شدن استقلال سیاسی و آزادی ملی، و هزاران فاجعه هولناک دیگر بوده است.

کارگران عزیز!

تا زمانیکه ما دوست و دشمن خود را از یکدیگر تشخیص داده نتوانیم، تا زمانیکه از طریق ایجاد اتحادیه های صنفی بدور هم جمع نگردیم، به همین طریق روز تا روز

گزارشی از وضعیت واحد های کارگری جهان

در روز اول می ۲۰۱۱

کشور اندونزی:

هزاران نفر از مردم اندونزی نیز با تجمع در میدان اصلی جاکارتا در روز جهانی کارگر (اول می) اعتراض خود را به سیاست های این کشور نشان دادند. بسیاری از افراد معترضی که در جاکارتا جمع شده بودند، کارگران روزمزدی بودند که از شهرهای دیگر این کشور به مرکز اندونزی آمده تا در این تظاهرات شرکت کنند. ایجاد برنامه های رفاهی اجتماعی جدید از خواسته های مردم اندونزی است که از جمله خواسته های آنها را می توان درخواست کوپون برای بیمه عمر و برنامه های مناسب به بازنشسته ها و سالمندان اشاره کرد. بنا به گزارش رسانه های خبری، در حین برگزاری این تظاهرات ۲۵۰ نفر از نیروهای امنیتی این کشور مراقب برگزاری تظاهرات بودند تا مردم نتوانند اعتراض های خود را گسترده تر کنند.

کشور امریکا:

مردمی که مخالف سیاست واحدهای کارگری این کشور هستند، روز اول می، وارد جاده های اصلی شهر واشنگتن دی-سی شده و تلاش نمودند که نشانه های اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانند. بحران مالی امریکا مجموعه ای از مشکلات اقتصادی است که اولین بار در سال ۲۰۰۵ ظاهر شد و کماکان به قوت خود باقی است. مشخصه اصلی چنین بحرانی در کاهش پول نقد در نظام بانکی آنکشور بحساب رفته است. طوریکه در بازار مسکن امریکا، آئنده کارگرانی که خانه های رهائشی شان بعنوان ضمانت ثبت راجستر میباشد، درخواست شان برای تبدیل خانه های رهائشی آنها به پول نقد از طرف دولت امریکا رد گردیده و این امر باعث بوجود آمدن افراد بدهکار به نظام بانکی آنکشور شده است.



اقتصاد اندونزی از آن جهت حائز اهمیت میباشد که قرار است تا سال ۲۰۱۵ میلادی سه کشور اندونزی، چین و هند مجموعاً ۱۰ هزار میلیارد دلار را از سرمایه های دنیا تولید کنند.

کشور فیلیپین:

هزاران نفر از مردمان فیلیپین روز جهانی کارگر (اول می) را با شکوه برگزار نمودند و خواستار افزایش حقوق خود و اختصاص تسهیلات بیشتری برای زندگی شان شدند. مردم این کشور معتقداند که قیمت ها، بصورت سرسام آوری درین کشور رو به افزایش است و هیچگونه توجه ای از طرف مقامات دولتی آنکشور در مقابل وضع فقر و بیچارگی کارگران به عمل نمی آید.

به اساس آماری که رسانه های خبری ارائه داشته اند ، تقریباً نیمی از نیروی کار موجود در فیلیپین را دهقانان فقیر تشکیل میدهد که در بخش کشاورزی مشغول هستند و محصول عمده این بخش برنج می باشد. از صنایع بزرگ دیگر می توان به صنعت نساجی، مواد غذایی، دوا سازی، تاسیسات برق و صنایع دستی اشاره کرد که بخش گردش گری هم نقش مهمی در رونق اقتصاد فیلیپین دارد.



پارسال نیز در شهر هامبورگ آلمان ، هنگام برگزاری روز جهانی کارگر زد و خوردی میان مردم و پولیس روی داد که در آن ۵ پولیس امنیتی و چند نفر از مردمان معترض در آن کشور کشته شدند.

خبرها حاکی از آن است که از چند روز قبل از اول می، حدود ۴ هزار نیروی امنیتی پولیس در شهر برلین آلمان برای برقراری امنیت راه ورودی به جاده های اصلی شهر را مسدود ساخته بودند.

رشد اقتصادی آلمان طی سال ۲۰۰۹ بیش از ۵ درصد کاهش داشته است و دولت این کشور توانسته بود تا موفقیت هایی در زمینه جلوگیری از کاهش کسر بودجه تا پایان سال ۲۰۰۹ را کسب کند.

در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ برای نخستین بار بود که طی شش سال گذشته فعالیتهای اقتصادی آلمان با رکود روبرو شد و میزان صادرات این کشور بیش از ۱۴.۷ فیصد کاهش یافت.

بر اساس گزارش موسسه آمار آلمان میزان سرمایه گذاری

کشور آلمان:

تظاهرات گسترده روز جهانی کارگر (اول می) در هامبورگ آلمان ۱۰ کشته بر جای گذاشت که درین تظاهرات که در شهر شمالی هامبورگ روی داد ، درگیری شدیدی بین نیروهای امنیتی و مردم این کشور صورت گرفت.

این درگیری ها با پرتاب سنگ و بمب همراه بود که بر اثر آن چند عراده موتر تیزرفتار و یک عراده موتر آشغالی که از شاروالی آن شهر به جاده آمده بود به آتش کشیده شد.

به اساس گزارش مطبوعات جهان ، درین درگیری ها که حدود ۲۵۰۰ پولیس برای برقرار امنیت به کار گرفته شده بودند، برای تفرقه افکنی میان مردم از موترهای اطفائی کارگرفتند.



سال ۲۰۰۶ برای ۱۱.۲ فیصد از مردم ترکیه زمینه اشتغال را فراهم ساخت.

به هر حال :

اگر به گزارش های خبری از سراسر جهان در روز اول می (روز جهانی کارگر) نظر اندازیم دیده میشود که روز جهانی کارگر در سراسر دنیا با حضور چشم گیر نیروهای پولیس امنیتی دول گوناگون برگزار گردیده است.

مناسبت اول ماه می، به عنوان روز جهانی کارگر به این خاطر بوده است که در چهارم ماه می سال ۱۸۸۶ میلادی و در چهارمین روز اعتصاب و تجمع کارگران امریکائی در شهر شیکاگو، پولیس به روی آنان آتش گشود و شماری زیادی از کارگران کشته، عده ای مجروح و بعداً چهارتن نیز اعدام گردیدند. کارگرانی که در آن روزها دست به اعتصاب همگانی زده بودند، خواستار تعدیل شرایط کار و کاهش ساعات روزانه کار از ده ساعت به ۸ ساعت بوده اند.

روز اول ماه می، به عنوان جشن جهانی کارگران مدتهاست مورد قبول اکثریت کشورهای جهان قرار گرفته است و امروزه در بیشتر کشورهای جهان این روز تعطیل رسمی به شمار میرود؛ ولی متأسفانه کارگران و زحمتکشان افغانستانی ازین روز تعطیلی بی بهره مانده اند.

تجاری در این کشور نیز بیش از ۲۰ فیصد کاهش داشته است. قبلاً نیز رشد اقتصادی آلمان در طول سال های ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ میلادی بیش از ۷ درصد کاهش یافته بود.

رشد اقتصادی آلمان طی سال ۲۰۰۸ به کمتر از ۱.۳ فیصد رسید و گفته میشود که این رقم امسال به کمتر از ۱.۲ فیصد رسیده است.

کسر بودجه این کشور نیز سال گذشته به ۷۷.۲ میلیارد یورو رسید که این رقم معادل ۳.۲ فیصد تولید ناخالص داخلی این کشور است و گفته میشود که کسر بودجه آلمان امسال به ۵ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت.

کشور ترکیه:

صدها نفر از مردم ترکیه نیز در روز جهانی کارگر (اول می) در میدان تقسیم استانبول جمع شدند و خواستار فرصت های شغلی بیشتر، درآمدهای بالاتر و شرایط کاری بهتر گردیدند. این تجمع کارگری در استامبول یک تجمع نسبتاً آرام به شمار رفت.

اقتصاد ترکیه ترکیبی از صنایع بومی و مدرن است که روز به روز بر دامنه اش افزوده می شود و تولیدات فراوان کشاورزی ترکیه در سال ۲۰۰۵ رتبه هفتم جهان را بدست آورد و در

وضعیت کارگران افغانستانی در اردوگاه های ایران

، آزار و اذیت، استثمار بی حد، حتی به زندان انداختن کارگران بخاطر نپرداختن حقوق شان) مواجه اند. بیش از همه اگر در بین راه شناسائی شوند علاوه بر تحقیر، آزار و اذیت روانه اردوگاه میشوند و در آنجا هم، دار و ندار شان را از ایشان گرفته آنقدر آزار و اذیت میکنند که غیر از رهائی خویش به دیگر چیزی فکر نکنند.

عبدالحق و محمد دو تن از کسانی هستند که بعد از عبور از مرز دستگیر شده و مدت یازده روز را در اردوگاه جهنمی جمهوری اسلامی سپری نموده اند. این دو نفر اصلاً از قریه لنگر ولسوالی قادیس مربوط ولایت بادغیس میباشند. عبدالحق زندگی خویش را چنین توضیح میدهد: " در طفولیت پدرم فوت کرده و تمام مشکلات فامیل بدوش

از زمانیکه مالکیت خصوصی ایجاد گردید، جوامع به دو طبقه زحمتکش و ستمگر تقسیم گردید. این حالت مراحل مختلف را پشت سر گذاشته تا به مرحله سرمایه داری رسیده است. در طول تاریخ روز بروز وضعیت کارگران وخیم تر گردیده است.

در شرایط کنونی افغانستان نیمه فئودالی به یک کشور مستعمره تمام عیار تبدیل گردیده است، از زمان اشتغال افغانستان وضعیت زندگی کارگران به وخامت گرائیده است. چون زمینه اشتغال وجود ندارد کارگران مجبور به ترک کشور میشوند و برای پیدا نمودن کار، راهی کشور های همسایه و بخصوص ایران میشوند. زمانیکه به آنطرف مرز پا میگذارند به مشکلات عدیده ای (تحقیر، توهین

من میباشد.

تعداد افراد فامیل ما ده نفر میباشد. چون در ولایت بادغیس کاری پیدا نمی شد، لذا همراه شش نفر از قومان به هرات آمدم، چون در هرات هم کاری پیدا کرده نتوانستیم لذا همراه قاجا قبر روانه ایران گردیدیم، زمانیکه از مرز عبور نمودیم در نزدیکی زاهدان دستگیر شدیم، ما را همراه تعداد نفرات دیگری که قبلا دستگیر شده بودند به اردوگاه فرستادند، زمانیکه به دروازه اردوگاه داخل شدیم، حین بازرسی آن چیزیکه (پول ، گوشه ، انگشتر ، ...) داشتیم از ما گرفتند. حینیکه وارد اردوگاه شدیم با هفتصد نفر دیگر در داخل اردوگاه روبرو شدیم، برای ما، روز یکم رتبه، دو گیلان آب همراه یک تکه نان خشک که خرج طفل دو ساله ای نمی شد، میدادند و روز یکم رتبه، اجازه رفتن به دستشویی را داشتیم.

هنگامیکه از اتاق خارج می شدیم که به طرف دستشویی برویم، یک نفر از پاسداران هر دو گوش ما را محکم میگرفت و یک نفر همراه شلاق کلفتی که به دست داشت ما را لت و کوب میکرد. این عمل همه روزه ادامه داشت. بعد از یازده روز که از اردوگاه بیرون شدیم، علاوه بر اینکه پول و اشیای ما را ندادند، بلکه از هر کدام ما مبلغ دو هزار تومان نیز خواستند، زمانیکه ما داد و فریاد راه انداختیم که حین ورود به اردوگاه تمام چیزیکه داشتیم از ما گرفتید، حالا ما پول دیگری از کجا بیاوریم؟ هر یک از ما را ده ضربه شلاق زدند و بر موترهای کامپرسی سوار نمودند. در هر موتر کامپرسی هشتاد نفر سوار نمودند، همین که به مرز رسیدیم موتروان ما را مانند ریگ کامپرسی نمود (یکعده از ناحیه سر، دست و پا زخمی شدند) و ما را به این طرف مرز روان نمودند. وقتیکه از مرز نیمروز عبور نمودیم، دیگر نه لقمه ای نانی داشتیم و نه پولی برای خرید نان!

شب را طبق عادت اردوگاه در نیمروز خوابیدیم و فردای آنروز با یک موتروان هراتی صحبت نمودیم او هر شش نفر ما را به هرات رساند، حینیکه از موترش پیاده شدیم برای ما دوصد افغانی خرجی نیز داد، ما تصمیم گرفتیم که اینجا چند روز کار کنیم تا بتوانیم به ولایت خود برویم، اما متاسفانه که در ظرف شش روزیکه اینجا رسیدیم فقط دو روز توانستیم کار کنیم، میدانیم که بعد از چند وقت خواهیم توانست که نزد فامیل خود برویم.

مشت نمونه خروار است، سرنوشت توده های زحمتکش و بخصوص کارگران، در زیر چتر اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده شان بهتر ازین نمیتواند باشد، بلکه روز به روز بدتر میگردد. یانکی های امریکایی و شرکای ریز و درشت اش بخاطر منافع ملی ما نه، بلکه برای غارت و در بدری ما در این سرزمین پا گذاشته اند. تا زمانیکه اشغالگران امپریالیست در این کشور حضور داشته باشند و رژیم مزدور اش در مسند قدرت باقی بماند، زندگی زحمتکشان بهتر ازین نمی شود.

یگانه راه رهائی ازین مصیبت اتحاد و یکپارچگی کارگران بوده و با قبول رهبری پیش آهنگ خویش به راه انداختن مقاومت ملی، مردمی و انقلابی میباشد و ازین طریق میتوان که امپریالیستهای اشغالگر را مجبور به عقب نشینی و ترک این دیار نمود و رژیم مزدورش را از مسند قدرت به زیر کشید و جامعه ای را ایجاد نمود که امیال و آرزوی کارگران را برآورده سازد. یعنی جامعه ای را ایجاد نمود که دیگر نشانی از ستم و بهره کشی وجود نداشته باشد. برای چنین روزی باید که جدا بپا خیزیم.

هسته کارگری مبارز افغانستان

۲۳ میزان ۱۳۸۹

- | | |
|----|------------------------------------------------------------------|
| ۲ | ۱- مایوس نباشید ، سوگواری نکنید ، پراکنده نشوید بلکه سازمان دهید |
| ۳ | ۲- وضعیت نابسمان کارگران سرگذر |
| ۴ | ۳- بی پروایی منسوبین نظام یا بی کفایتی رژیم |
| ۵ | ۴- بیکاری معضلی بر سر راه کارگران افغانستان |
| ۶ | ۵- به کسانی که بدی ها را دوست ندارند! |
| ۷ | ۶- مزد کنونی کارگران در شان کارگران نیست! |
| ۸ | ۷- مصاحبه با یک تن از کارگران ماین پاکی در شهر هرات |
| ۱۰ | ۸- پیروز باد مبارزات برحق مردم لیبی |
| ۱۱ | ۹- کارگران متحد شوید |
| ۱۱ | ۱۰- اعلامیه روز جهانی کارگر |
| ۱۲ | ۱۱- گزارشی از وضعیت واحد های کارگری جهان در روز اول می ۲۰۱۱ |
| ۱۴ | ۱۲- وضعیت کارگران افغانستانی در اردوگاه های ایران |

وبلاگ هسته کارگری مبارز افغانستان

www.kargaranafghanistan.blogfa.com

آدرس های ملی - دموکراتیک

www.afghanistanrmy.org

www.nabardezan.persianblog.ir

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

دسته هشت مارچ زنان افغانستان